

## درباره نقطه گذاری

در میان عناصر ساختاری جمله‌ها در زبان فارسی، هیچ یک بیش از نقطه گذاری گرفتار هرج و مرج و آشفتگی نیست، شاید به این سبب که در زبان فارسی امروز و برای فارسی زبانان هیچ عنصری بیگانه تر و ناخوانده تر از عنصر نقطه گذاری نیست. نشانه‌های نقطه گذاری در نوشتار همانند پیچ و مهره‌ها در ماشین و حلقه‌ها در زنجیر هستند. همان گونه که همارایی نادرست پیچ و مهره‌ها و حلقه‌ها، به ترتیب، به کژکاری ماشین و گسستگی زنجیر منجر خواهند شد، کاربرد نادرست نقطه گذاری نیز به نااستواری و کژی ساختار جمله‌ها خواهد انجامید، از روانی روند طبیعی جمله‌ها خواهد کاست، و سبب بدفهمی و بدخوانی خواهد شد. از آن گذشته، هر نشانه‌ای می‌تواند در نظام معناشناسی جمله نقش یک عنصر سازنده را داشته باشد.

شرح تاریخچه پیدایش و تکامل نقطه گذاری بیرون از قلمرو این یادداشت کوتاه است. همین قدر باید گفت که پیدایش نقطه گذاری و تکامل آن به شکل امروزی مطلقاً ساخته و پرداخته فرهنگ غرب است. نشانه‌های نقطه گذاری که امروزه در زبان انگلیسی به کار برده می‌شوند از نشانه‌های مشابه در زبانهای یونانی و لاتین در دوره کلاسیک مشتق شده‌اند و سابقه چند هزار ساله دارند.<sup>۱</sup> نظام نقطه گذاری به شکل امروزی اش در زبان انگلیسی در سده هفدهم به مرحله کمال رسید. از طرف دیگر، هیچ گونه سنت و سابقه نقطه گذاری در تاریخ کتابت زبان فارسی وجود ندارد و کاربرد نشانه‌های آن در زبان فارسی امری است بسیار تازه که به چند دهه گذشته بر می‌گردد. حتی نقطه، که ابتدایی‌ترین و

اساسی ترین نشانه نقطه گذاری ست، در بسیاری از نوشته های فارسی اوایل قرن بیستم و پیش از آن به کار برده نشده است.

جای شگفتی ست که صاحب نظران ما در دانش زبان شناسی درباره بی دقتیها، سهل انگاریها، و لغزشهای اهل قلم در کاربرد نشانه های نقطه گذاری تا کنون سخنی نگفته اند. کار آشفته گی در کاربرد این نشانه ها به جایی رسیده که هر نویسنده ای هر نشانه ای را، که نماینده معنای ویژه ای ست، بی ملاحظه و بدون مراعات قراردادهای پذیرفته شده به کار می برد. به عنوان شاهد بر آنچه گفته شد، از چند مقاله چاپ شده در ایران شناسی نمونه می آورم. اما پیش از شرح بیشتر در مورد این نمونه ها، لازم است درباره معنا و کاربرد دو نشانه نقطه گذاری، توضیح کافی در ابتدا داده شود: نشانه پرسش (?) و نشانه تعجب (!).

#### نشانه پرسش

این نشانه در اکثر موارد پایان یک جمله را اعلام می کند، به طوری که در زبان انگلیسی پس از نشانه پرسش نخستین واژه همواره با یک حرف بزرگ (capital letter)، که نشانه آغاز جمله تازه ای ست، نوشته می شود. از آن جا که حرف بزرگ در نوشتار فارسی وجود ندارد، دقت و ملاحظه بیشتری در کاربرد نشانه پرسش لازم است تا آغاز و پایان جمله ها گرفتار ابهام و اغتشاش نشود. این نشانه معمولاً جا و مقامی در میان عناصر ساختاری جمله ندارد، حتی اگر داخل پرانتز آورده شود. به گفته فاولر (H.W. Fowler)، «نشانه پرسشی که میان پرانتز در جمله جای داده شده، بی تردید غیر حرفه ای بودن نویسنده را فاش می سازد!»<sup>۱</sup> با وجود این، برخی از زبان شناسان کاربرد نشانه پرسش را، به نیت بیان شک یا ریشخند، داخل پرانتز در میان اجزاء جمله مناسب می دانند. به عنوان مثال در این نمونه: «بهانه اش این بود که ترافیک (?) دلیل دیر آمدنش بود.» نمونه دیگر: «لذتبخش ترین (?) لحظه مهمانی هنگامی بود که صاحبخانه شروع به آواز خواندن کرد.» زبان شناسان دیگر کاربرد نشانه تعجب را در پایان این دو جمله مناسب تر و درست تر می دانند و قرار گرفتن نشانه پرسش را در میان این جمله ها به کلی نارسا و نادرست می شناسند.

مورد استثنایی دیگر هنگامی ست که جمله یا عبارتی بین دو خط تیره در میان جمله اصلی جای گرفته باشد؛ در این صورت جایز است که نشانه پرسش در پایان جمله معترضه (جمله میان نهاده) آورده شود و جمله اصلی پس از خط تیره دوم ادامه پیدا کند، مانند این نمونه: «در نتیجه غفلتها و سهل انگاریهای مکرر - آیا او واقعاً آگاهانه این گونه رفتار می کرد؟ - عاقبت کارش را از دست داد.»

اصولهای دیگر در کاربرد نشانه پرسش از این قرارند:

- ۱- نشانه پرسش، انحصاراً و مطلقاً، تنها در پایان یک نقل قول مستقیم کاربرد دارد: پدرم پرسید، «آیا امروز چیزی در مدرسه آموختی یا نه؟» در نقل قول غیر مستقیم تنها نقطه کافی است: «پدرم پرسید که آیا امروز چیزی در مدرسه آموختم یا نه.»
- ۲- اگر پرسش مطرح شده در یک جمله محدود به نقل قولی باشد، نشانه پرسش باید داخل نشانه نقل قول (گیومه) آورده شود: دوستم پرسید، «آیا امروز برای گردش به پارک شهر خواهیم رفت؟» اما اگر تمام جمله جنبه پرسشی داشته باشد، نشانه پرسش باید بیرون از نشانه نقل قول قرار بگیرد: راستی آیا این شعر از حافظ است که «از دل برود هر آن که از دیده برفت»؟

۳- برخی از زبان شناسان تکرار نشانه پرسش را در یک جمله به جا می دانند: «ممکن است به من بگویند که این حادثه کجا؟ کی؟ و چگونه؟ اتفاق افتاد؟» اما بسیاری دیگر این گونه کاربرد نشانه پرسش را ناپه جا و نادرست می دانند. به هر حال همه کارشناسان فن هم رأیند که از تکرار نشانه پرسش در میان اجزاء جمله باید تا حد امکان پرهیز کرد: «ممکن است به من بگویند که این حادثه کجا، کی، و چگونه اتفاق افتاد؟» آنچه قطعی است این است که به هیچ وجه جایز نیست که نشانه پرسش، تنها و بی پشتیبان، در میان اجزاء جمله آورده شود و سپس به کمک حرف ربط جمله ادامه پیدا کند.

گرفتاری اساسی در مورد کاربرد نشانه پرسش این است که آیا اصولاً جمله ای جنبه پرسشی دارد یا نه، و در نتیجه، آیا کاربرد این نشانه روا یا نارواست. مثلاً در جمله «از او پرس چه کسی این حرف را زد» کاربرد نشانه پرسش نارواست زیرا در واقع این یک جمله امری است که شامل یک نقل قول غیر مستقیم است. در حالی که جمله: «ممکن است خواهش کنم این در را باز کنید؟» در حقیقت یک پرسش مستقیم است که در عین حال جنبه درخواستی دارد و، بدین ترتیب، نیازمند نشانه پرسش است.

#### نشانه تعجب

این نشانه به دنبال یک کلمه، عبارت، یا جمله به نیت تأکید یک احساس شدید یا یک گفته پُر اثر آورده می شود و در اکثر موارد پایان آن را اعلام می کند. کاربرد این نشانه در موارد زیر است:

۱- واژه ها و عبارتهایی با جنبه تعجب یا شگفت زدگی، و بدون پیوند دستوری

(Interjection): «آه!»، «افسوس!»، «دریغ!»، «عجبا!»، «به جهنم!»، «خدای من!»

- ۲- جمله هایی که برای بیان تعجب با واژه های پرسشی مانند «چه» و «چقدر» آغاز می شود: «چه دنیای غریبی!» «چقدر پسر را دوست دارم!»
- ۳- بیان آرزو و امید (تمنی و ترجی): «خدا تو را بیخشايد!» «کاش زنده باشیم و ببینیم!»
- ۴- حذف یا کوتاه کردن مفاهیمی که در ساختار کامل جمله لازم هستند ولی در بافت جمله قابل فهم اند: «اگر دستم به تو برسد!» (... حسابت را کف دستت خواهم گذاشت!)، «صدایت در نیاید!» (... وگرنه آبرویت را خواهم ریخت!)
- ۵- خطاب به شخص یا چیزی حاضر یا غایب به لحن تعجب آورو به عنوان گریز از موضوع اصلی: «بدبخت ترسو!» «نازنین من!»
- ۶- جمله ها و عبارتهای امری: «این کار را باید انجام بدهی، همین الان!»
- نکته با اهمیت دیگر این که کلماتی که به خودی خود برای نشان دادن لحن خاصی رسا و بسنده هستند نیازی به نشانه تعجب ندارند. مثلاً در جمله های: «این که می گویی دروغ است»، «چه کسی اهمیت می دهد»، «کاش سکوت می کردی»، کاربرد نشانه تعجب لزومی ندارد زیرا کلمات «دروغ»، «اهمیت»، و «سکوت» برای انتقال لحن خاص نویسنده بسنده هستند. اما اگر لحنی جدا از معنای معمول کلمه در نظر است، کاربرد نشانه تعجب به جا خواهد بود: «فکر کردی مانعی ندارد!»، «او عاقبت دریافت که دشمن واقعی که بود - خودش!»
- در همه موارد بالا از تکرار نشانه تعجب در میان اجزاء جمله باید خودداری شود. به هر حال، ادامه جمله، پس از نشانه تعجب، به کمک حرف ربط نارسا و نادرست است. در زبان انگلیسی تقریباً همواره پس از نشانه تعجب، جمله با حرف بزرگ، که نشانه آغاز یک جمله تازه است - ادامه پیدا می کند. همان گونه که در مورد نشانه پرسش گفته شد، مورد استثنایی در کاربرد نشانه تعجب در میان اجزاء یک جمله هنگامی است که جمله یا عبارتی بین دو خط تیره داخل جمله اصلی آورده شده باشد: «او آن چنان فیلسوفانه و جزمی حرف می زد - گویا تصور می کرد افلاطون حکیم است! - که دیگران جلسه را ترک کردند.»
- پس از این مقدمه، اینک به بررسی کاربرد نشانه های پرسش و تعجب در چند مقاله در ایران شناسی (زمستان ۱۳۷۶، ص ۷۳۴، س ۲-۳) می پردازیم: «... و سندیت نقل - که در منابع معتبر آمده است یا نه؟ یا دقیقاً به چه کسی منسوب است؟ - مطرح نیست.»
- نه سطر پایین تر در همان صفحه آمده است: «... که آیا مولای متقیان واقعاً سرش را توی چاه می کرده و با خود حرف می زده؟ یا هرگز چنین کاری نمی کرده است؟» نه تنها

آوردن نشانه پرسش در میان اجزاء این جمله ها و ادامه آنها با حرف ربط «یا» نابه جاست، مهمتر این که اصولاً پرسشی در این جمله ها مطرح نیست که نیازمند نشانه پرسش باشد. در ص ۷۳۶، س ۲۵-۲۶، کاربرد نابه جای نشانه پرسش آشکارتر به چشم می خورد: «این فریادهای درون مولانا رنگها و جلوه های گوناگون دارد، بسته به این که در آن لحظه نگاه تیز بین او به کجای این زندگی بنگرد؟ گاه فریاد از اهل...». این جمله به هیچ وجه جنبه پرسشی ندارد و نشانه ویرگول به جای پرسش روند طبیعی آن را بهتر و مناسب تر نشان می دهد.

در ص ۷۳۷، س ۱۴-۱۵، علاوه بر آنچه گفته شد ایراد بسیار اساسی دیگری وجود دارد: «رهگذر از عرب می پرسد که در این جوالها چه داری؟ و عرب می گوید که یکی از آنها گندم است، دیگری پر از ریگ.» همان گونه که شرح داده شد، در مقام نقل قول، کاربرد نشانه پرسش تنها در نقل قول مستقیم جایز است نه در نقل قول غیرمستقیم آن گونه که در جمله یاد شده آمده است. اگر نویسنده نوشته بود: رهگذر از عرب می پرسد، «در این جوالها چه داری؟» کاربرد نشانه پرسش کاملاً به جا می بود، اما نه در پی یک نقل قول غیر مستقیم، آن هم در میان جمله و ادامه آن با حرف ربط «و». در ادامه جمله بالا آمده است: «... حتماً چند دقیقه ای می گذرد تا مرد عرب این سخن حکیمانه! را درک کند...» نشانه تعجب می بایست در پایان این جمله آورده می شد. اگر نویسنده لازم می دانست که به نیت ریشخند این نشانه را دنبال «حکیمانه» بیاورد، می بایست آن را داخل پرانتز قرار می داد، وگرنه ادامه جمله با حرف ربط «را» نابه جا و نادرست است.

چند نمونه دیگر را بدون توضیح بیشتر ذکر می کنم: «برگردیم به حکایت آن عرب بیابانی و آن دو جوال گندم و ریگ! و به اندیشه ها...» (ص ۷۳۹، س ۱۵)، «اما پیش از باور کردن بیندیش و بسنج! وگرنه در این روزگار بعضی از مدعیان روشنفکری! مطالعه فرهنگ...» (ص ۷۴۰، س ۱۰-۱۱).

در برخی مقاله ها کاربرد نشانه های نقطه گذاری کارش به جای باریکتر می رسد و در قلمروهای ناشناخته تری پای می گذارد. در ص ۷۶۴، ص ۱۸، «... شبیه پوشیدن لباس عید بعد از عید که می گویند «برای گل منار خوب است!» و یا به خاطر آدم می آورد...» نشانه تعجب در این جمله مربوط به نقل قول ذکر شده است و جای آن داخل گیومه هاست نه بیرون آنها، وگرنه ادامه جمله با «و» نادرست خواهد بود.

در شماره بهار ۱۳۷۵، ص ۷۴، س ۷: «... و بنمایاند که داوری و مهر و کین خلیق چه بی اعتبار است!؟» ظاهراً نویسنده از مفهوم این جمله خود آن چنان متأثر شده است که

وجود مرکب دو نشانه نقطه گذاری را برای انتقال احساسات خود به خواننده لازم دانسته است! در ص ۷۷، پاراگراف آخر: «نمی دانم که به گفته بایزید «دویست سال»؟ یا بیشتر؟ یا کمتر؟ خواهد گذشت تا بار دیگر ایران زمین به وجود محجوبی بنزد؟» نه تنها آوردن مکرر نشانه های پرسش در میان اجزاء این جمله نادرست و نابه جاست، اصولاً هیچ جزء یا کل این جمله حکم پرسش ندارد. مهمتر از همه این که آوردن نشانه پرسش در این جمله تصور ریشخند و شک و تردید را به خواننده انتقال می دهد که به کلی مغایر با نیت نویسنده و روح این نوشته است. در مورد این کاربرد به خصوص نشانه پرسش قبلاً در بالا سخن گفته ام.

در دو جمله زیر کاربرد یگانه و بی پیشینه ای از نشانه تعجب به چشم می خورد که، حداقل برای من، کاملاً تازگی دارد: «... و سال بعد به پاداش خدمات! خود سر از زندان ریس در آورد.» (بهار ۱۳۷۵، ص ۷۶، س ۴) «از این استفاده های!! تاریخی در این اثر بی حد و شمار می توان یافت.» (زمستان ۱۳۷۶، ص ۷۶۴، س ۱۸). در این دو جمله بدین ترتیب، کسره اضافه در «خدمات خود» و در «استفاده های تاریخی» پیش از ربط دادن «خدمات» به «خود» و «استفاده های» به «تاریخی» باید از روی نشانه تعجب در مورد اول و دو نشانه تعجب در مورد دوم جهش و پرش بکند! کاربرد نشانه تعجب در این دو مورد، حتی داخل پراتز نیز بیجا و خطاست زیرا اسباب گسستگی در تداوم و روند طبیعی جمله ها و موجب بدخوانی است.

برای خواننده ای مانند من که چهل سالی به زبان انگلیسی با این نشانه های قراردادی آشنایی نزدیک و مدام داشته ام، برخورد با بی دقتیها در کاربرد آنها در برخی نوشته های فارسی امروز این آرزو را در دل زنده می کند که ای کاش نویسندگان اصولاً از کاربرد این نشانه ها دست بر می داشتند و همان سبک نوشتار بی نقطه و نشانه گذشتگان را ادامه می دادند. به کار نگرفتن یک فن بر کاربرد نادرست آن ترجیح دارد. اما آشنایی با اصول نقطه گذاری نیز مانند هر چیز دیگر آموختنی است.<sup>۳</sup> باری، امیدوارم که این یادآوریهای ملاً تقطانه من، که کارم آموزش دانش پزشکی است، در حریم اهل زبان و زبان شناسان جسارت تلقی نشود!

ناگفته نماند که آنچه در این نوشته مورد بحث قرار گرفت بر اساس شیوه کاربرد دو نشانه پرسش و تعجب در زبان انگلیسی است، ولی اگر در زبان فارسی برای به کار بردن این دو نشانه قواعد دیگری وضع گردیده است، من از آن بیخبرم.

پانوشتها:

- ۱- Parker, M.B. *Pause and Effect: An Introduction to the History of Punctuation in the West*. University of California Press, Berkley, 1993
- ۲- Fowler H.W. *A Dictionary of Modern English Usage*. Second Edition, revised by Sir Ernest Gowers, Oxford at the Clarendon Press, 1978, pages 590-591.

بیشتر اشارات در معنا و کاربرد نشانه های پرسش و تعجب در این نوشته از این مرجع اقتباس شده اند.

۳- ناصر مجد. نقطه گذاری در نوشتار فارسی. لندن، ۱۹۹۶. این کتاب در آموزش نقطه گذاری، تنها کتاب جامع و سودمندی است که به زبان فارسی نوشته شده است.

